

Analysis of the Impact of International Monetary Fund Policies on Achieving Sustainable Development Goals

1. Parisa Shamloo: PhD Student of International Law, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Kourosh Jafarpour*: Assistant Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: koroshjafarpour@gmail.com (Corresponding Author)
3. Maryam Afshari: Assistant Professor, Department of Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran

ABSTRACT

In recent decades, both in theory and practice, development has gradually been perceived as a holistic concept encompassing economic, social, cultural, political, and environmental dimensions. Achieving development is one of the main concerns of developing countries and one of their demands from the international community. Among the international institutions playing a significant role in this regard is the International Monetary Fund (IMF). The aim of the present study is to analyze the impact of IMF policies on achieving sustainable development goals. The research methodology is descriptive-analytical. From the perspective of its purpose, this study is fundamental, and in terms of data collection methods, it is descriptive and based on a library approach. Sources utilized include Iran's codified laws, books, theses, articles, pamphlets, and websites. After collecting the necessary data, the study conducts comparison, integration, and analysis of the collected material. The findings indicate that the IMF's focus on objectives such as sustainable growth and welfare positions this institution as aligned with the ideals of sustainable development. The IMF's programs require a theory of distributive justice, providing a foundation to balance macroeconomic health and individual well-being. Given the IMF's influence on public policymaking and the allocation of governments' financial resources, its policies can have a direct impact on governmental programs and plans designed to achieve sustainable development goals.

Keywords: *International Monetary Fund, development, sustainable development, international community.*

How to cite: Shamloo, P., Jafarpour, K., & Afshari, M. (2024). Analysis of the Impact of International Monetary Fund Policies on Achieving Sustainable Development Goals. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3), 321-341.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 September 2024
Revise Date: 29 October 2024
Accept Date: 15 November 2024
Publish Date: 22 November 2024



تحلیل تأثیر سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بر تحقق اهداف توسعه پایدار

۱. پریسا شاملو: دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. کوروش جعفرپور*: استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک:

koroshjafarpour@gmail.com (نویسنده مسئول)

۳. مریم افشاری: استادیار، گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران

چکیده

در دهه‌های گذشته، هم در تئوری و هم در عمل، توسعه به تدریج به عنوان یک مفهوم کل نگر تلقی شد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را در بر می‌گرفت. دستیابی به توسعه به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه و یکی از مطالباتشان از جامعه بین‌المللی است. در این میان صندوق بین‌المللی پول یکی از مراکز بین‌المللی است که در تحقق این امر نقش مهمی دارد. هدف پژوهش حاضر تحلیل تأثیر سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بر تحقق اهداف توسعه پایدار است. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، بنیادی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای است که از منابع مدون مشتمل بر مجموعه قوانین ایران، کتب، رساله‌ها، مقالات، جزوات و سایت‌ها استفاده می‌شود که پس از گردآوری مطالب مورد نظر به تطبیق، تلفیق، تجزیه و تحلیل این موارد پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تمرکز صندوق بین‌المللی پول بر اهدافی همچون رشد و رفاه پایدار نقش و کارکرد این نهاد را در قالب نهادهای همسو با آرمان‌های توسعه پایدار قرار می‌دهد. برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول مستلزم یک نظریه عدالت توزیعی است که مبنایی را برای متعادل کردن سلامتی اقتصاد کلان و سلامت افراد فراهم می‌کند. با توجه به تأثیر صندوق بین‌المللی پول بر سیاست‌گذاری‌های عمومی و همین‌طور نحوه تخصیص منابع مالی دولت‌ها، این سیاست می‌تواند تأثیر مستقیم بر برنامه‌ها و طرح‌های دولت‌ها که به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار طراحی می‌شود داشته باشد.

واژگان کلیدی: صندوق بین‌المللی پول، توسعه، توسعه پایدار، جامعه بین‌المللی.

نحوه استناددهی: شاملو، پریسا، جعفرپور، کوروش، و افشاری، مریم. (۱۴۰۳). تحلیل تأثیر سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بر تحقق اهداف توسعه پایدار. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۳)، ۳۲۱-۳۴۱.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ مهر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۵ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲ آذر ۱۴۰۳

مقدمه

موضوع توسعه پایدار در حال حاضر به عنوان یکی از مباحث اساسی در جهان مطرح شده و مفاهیم و موضوعات مرتبط با این رویکرد به صورت مستمر در حال تکوین و تکامل است (مکی و همکاران، ۱۳۹۷). توسعه پایدار به معنای توسعه‌ای است که دارای صفت پایداری است. به عبارتی توسعه‌ای که منقطع یا موقت نیست. در اینجا نیز چند جنبه باید مورد توجه قرار گیرد. این جنبه‌ها عبارتند از: موضوع توسعه پایدار، اهداف توسعه پایدار و فرآیند توسعه پایدار. موضوع توسعه پایدار می‌تواند، انسان، اقتصاد و صنعت، محیط زیست، فناوری و علوم یا غیره باشد. از این منظر می‌توان از مفاهیمی همچون توسعه پایدار اقتصادی، توسعه پایدار زیست محیطی، توسعه پایدار انسانی و غیره یاد کرد (Ebrahimejad, 2016). برای توسعه پایدار نیز اهدافی ترسیم می‌شوند که بسته به موضوع آن می‌توانند متفاوت باشند. اما در اینجا نیز با مساله وضع موجود و وضع مطلوب و فرآیند حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب مواجه هستیم. با این تفاوت که در اینجا هدف دستیابی به اهدافی پایدار تر است و بنابراین موضوع توسعه در گستره زمانی بلندتری نگریسته می‌شود. بنابراین فرآیند در توسعه پایدار بر دو امر مبتنی است اول دستیابی تدریجی به سمت ترقی و پیشرفت نسبت به موضوع توسعه و دیگری پایدار بودن هم فرآیند و نتیجه آن در توسعه پایدار (Aryafard, 2021). نظر به اینکه دستیابی به توسعه پایدار نیازمند همکاری و هماهنگی همگانی است، در سطح ملل متحد نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته و ارکان مختلف سازمان ملل متحد و همینطور آژانس‌های تخصصی ملل متحد نیز به دستیابی به آرمان‌های توسعه پایدار توجه داشته‌اند. بدیهی است در این میان نقش و کارکرد برجسته را می‌توان در عملکرد آن دسته از نهادهای بین‌المللی مشاهده نمود که حوزه فعالیت آن‌ها با آرمان‌های توسعه پایدار اشتراک دارد. به عنوان مثال سازمان بهداشت جهانی، یونسف، سازمان خوار بار جهانی، برنامه عمران ملل متحد، و همینطور برنامه محیط زیست ملل متحد از جمله سازمان‌های بین‌المللی در مجموعه ملل متحد می‌باشند که به واسطه اشتراک اهداف آن‌ها با آرمان‌های توسعه پایدار نقش فعال تر و کارکرد موثرتری را نسبت به دیگر نهادهای ملل متحد در این راستا بر عهده دارند (Jafari, 2021). هر چند منطقی نیز همین گونه است که دستیابی به یک هدف در بستر نهادهای بین‌المللی تعقیب شود که وظایف و اهداف تعیین شده برای آن‌ها با آن هدف مشترک باشد، اما نمی‌توان در نقش دیگر سازمان‌های بین‌المللی نیز غافل بود. به طور کلی سازمان‌های بین‌المللی را نسبت به یک هدف خاص می‌توان به چند دسته تقسیم بندی نمود. در دسته نخست نهادهایی قرار دارند که حوزه فعالیت آن‌ها با هدف مذکور مشترک است که مصادیق آن ذکر شد. در دسته دوم نهادهای قرار دارند که حوزه عملکرد آن‌ها متفاوت از هدف مورد نظر است. بنابراین فعالیت این سازمان‌ها نه نقش مثبتی بر تحقق آن هدف دارد و نه نقش منفی. در دسته سوم سازمان‌هایی قرار دارند که حوزه فعالیت آن‌ها می‌تواند در جهت خلاف هدف مورد نظر باشد، بنابراین نتیجه عملکرد آنها، تضعیف دستیابی به آن هدف می‌باشد (Firoozi Mandi, 2017). دسته دیگر نهادهایی هستند که فعالیت‌های آن‌ها می‌تواند در راستای دستیابی به آن هدف و یا تضعیف آن باشد، اینکه این دست از سازمان‌ها در کدام دسته قرار گیرند بستگی به سیاست‌های هماهنگ سازی دارد که برای تعیین نسبت این سازمان‌ها با هدف مورد نظر تنظیم و دنبال می‌شود. سازمان‌های پولی و مالی در زمره دسته اخیر قرار دارند. این سازمان‌ها بر جنبه‌های مالی سیاست‌های دولت‌ها تاثیرگذار هستند و از آنجا که دستیابی به هر هدفی در سطح ملی نیازمند تامین منابع مالی است، بنابراین این سازمان‌ها می‌توانند با تاثیرگذاری بر سیاست‌ها و ابعاد مالی برنامه‌ها و پروژه‌های حاکمیت‌ها بر اولویت بندی‌ها و همینطور محتوای سیاست‌های داخلی آن تاثیرگذار باشند. در همین چارچوب نیز سیاست‌های داخلی که متأثر از الزامات این سازمان‌ها می‌شود، بر دستیابی یا عدم دستیابی به آن هدف نیز تاثیرگذار است (Inanlou, 2020).

این مساله در مورد نیل به آرمان‌های توسعه پایدار نیز متصور است. نهادهای پولی و مالی بین‌المللی می‌توانند به شیوه‌های مختلف سیاست‌های پولی و مالی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و از همین طرق بر برنامه‌هایی که دولت‌ها برای نیل به آرمان‌های توسعه پایدار تنظیم و اجرا می‌کنند تأثیرگذار باشند. به عنوان مثال الزاماتی که در راستای اعطا وام به کشورها از سوی این دست از سازمان‌ها تعیین می‌شود، می‌تواند اولویت‌ها و برنامه‌هایی که دولت دریافت‌کننده وام در نظر داشته را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت نقش بانک‌ها در دستیابی به توسعه پایدار به گونه‌ای است که باعث شده کمیته بازل^۱ نیز به این مهم توجه نماید. کمیته در ژوئن سال ۲۰۲۲ سندی را تحت عنوان «اصولی برای مدیریت و نظارت موثر بر خطرات مالی مرتبط با اقلیم»^۲ منتشر نموده است که جنبه‌های زیست محیطی توسعه پایدار را مورد توجه قرار می‌دهد (Boostani & Jabal Ameli, 2015). در این سند بیان شده است بانک‌ها به طور بالقوه در معرض خطرات مالی مرتبط با اقلیم بدون توجه به اندازه، پیچیدگی یا مدل کسب و کار هستند. بنابراین بانک‌ها باید آثار بالقوه این خطرات که ناشی از مدل کسب و کار فردی می‌باشد را مورد ملاحظه و واقعی بودن آثار آن را مورد ارزیابی قرار دهند. آن‌ها باید این ریسک‌ها را به گونه‌ای مدیریت کنند که با توجه به ماهیت، گستره و پیچیدگی فعالیت‌ها و سطح کلی ریسکی که هر بانکی تمایل به پذیرش دارد متناسب باشد. در این سند پیشنهاد شده ماهیت منحصر به فرد هر خطر، پیچیدگی اثر آن بر اقتصاد و بخش مالی و عدم قطعیت مربوط به تغییرات اقلیمی و همین طور کنش‌های بالقوه میان خطرات فیزیکی و گذار از آن از سوی بانک‌ها در نظر گرفته شود. یکی از سازمان‌ها صندوق بین‌المللی پول است. این سازمان برای دستیابی به رشد پایدار و رفاه تمام کشورها فعالیت می‌کند (Zamani & Esmailpour, 2021). صندوق این عمل را از طریق پشتیبانی از سیاست‌های اقتصادی به عمل می‌آورد که ثبات مالی و همکاری پولی‌ای ترویج می‌کند که برای افزایش تولید، خلق شغل و رفاه اقتصادی اساسی هستند. همین امر نیز عملکرد صندوق را به عنوان یک نهاد تأثیرگذار بر تحقق آرمان‌های توسعه پایدار برجسته می‌سازد. یکی از مهمترین نکات مورد چالش در خصوص استفاده از وام‌های صندوق، مشروط بودن آنهاست، کشور متقاضی باید سیاست‌های اقتصادی خود را به نحوی تعدیل و انطباق دهد که ساختار تراز پرداخت‌هایش طی زمان اصلاح شده و این برنامه اصلاحی باید مورد توافق صندوق نیز باشد. مشروط بودن اعطای وام در جهت اخذ تضمین از کشور بدهکار مبنی بر عدم تعویق انتخاب‌های سیاستی دشوار یا تجمع بدهی‌های خارجی است (Sadeghi et al., 2019). در مقابل تسهیلات مذکور، کشور مورد نظر می‌باید با تعمیق اصلاحات اقتصادی و بهبود عملکرد، قدرت بازپرداخت تعهدات خود را باز یابد. به هر حال پیش از هر نوع پرداختی مقامات کشور متقاضی و صندوق می‌باید بر اقدامات سیاستی مورد نظر به توافق برسند. پس از آن، پرداخت وجوه در چند مرحله و متناسب با زمان بندی تعهدات سیاستی پذیرفته شده صورت می‌گیرد. در جهت این انتقاد، صندوق در سال ۲۰۰۰ با هدف ساده و موثر سازی شرایط، اقدام به بازنگری در فرآیند اعطای تسهیلات خود نمود. هم اکنون شروط مطرح شده تمرکز بیشتری بر سیاست‌های اقتصاد کلان و بخش مالی دارد، میان انتخاب‌های سیاستی پیش‌روی کشور کمتر اجبار به گزینه خاصی مطرح می‌شود، حق حاکمیت کشور بر برنامه‌های سیاستی خود بیشتر رعایت شده و لذا مجموعه برنامه اصلاحات و منابع تخصیص داده شده در کل موثرتر است (Abedi, 2022).

در دهه‌های اخیر، توسعه به عنوان یک فرآیند چندبعدی که تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد، در مرکز توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. این کشورها در تلاشند تا با استفاده از منابع داخلی و بین‌المللی، به توسعه پایدار دست یابند. در این میان، نقش نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) در هدایت و تسهیل این فرآیند به ویژه در

¹ Basel Committee on Banking Supervision

² Principles for the effective management and supervision of climate-related financial risks

زمینه اقتصادی بسیار برجسته است. اما سیاست‌های این نهاد از نظر تأثیر بر ابعاد مختلف توسعه پایدار، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، همیشه با چالش‌ها و نقدهای متعددی همراه بوده است. این مسئله اهمیت بررسی و تحلیل دقیق تأثیرات این سیاست‌ها بر تحقق اهداف توسعه پایدار را دوچندان می‌کند. از آنجا که صندوق بین‌المللی پول به عنوان یکی از مهمترین نهادهای مالی جهانی، به کشورهای عضو، به ویژه کشورهای در حال توسعه، کمک مالی و مشاوره‌های سیاستی ارائه می‌دهد، این سوال مطرح می‌شود که آیا سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی این نهاد توانسته‌اند به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کنند یا خیر؟ و اگر چنین است، این کمک‌ها چگونه و در چه ابعادی صورت گرفته‌اند؟ این تحقیق به دنبال بررسی و تحلیل تأثیر سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بر توسعه پایدار است تا به درک بهتری از میزان کارآمدی این نهاد در پیشبرد اهداف توسعه دست یابد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در دهه‌های گذشته، هم در تئوری و هم در عمل، «توسعه» به تدریج به عنوان یک مفهوم کل نگر تلقی شد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را در بر می‌گرفت. اخیراً، مفهوم توسعه فراگیر در مجامع عمومی توسعه بین‌المللی برجسته شده است، به ویژه به عنوان عنصر اصلی اهداف توسعه پایدار که قلب برنامه جهانی توسعه سازمان ملل متحد (سازمان ملل) برای دوره ۲۰۱۶-۲۰۳۰ است. توسعه تنها در صورتی می‌تواند فراگیر باشد و فقر را کاهش دهد تنها در صورتی که همه گروه‌های مردم در ایجاد فرصت‌ها، مشارکت در مزایای توسعه و مشارکت در تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند. توسعه فراگیر از رویکرد توسعه انسانی UNDP پیروی می‌کند و استانداردها و اصول حقوق بشر را ادغام می‌کند: مشارکت، عدم تبعیض و پاسخگویی (Ali Ahmadi et al., 2019). هفده هدف توسعه پایدار که مجمع عمومی در سپتامبر ۲۰۱۵ به تصویب رساند، امروزه پذیرفته شده ترین دستور کار برای توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد (مجمع عمومی، ۲۰۱۵). آن‌ها بر اساس فراخوان معروف برای توسعه پایدار در گزارش برونلند (کمیسیون برونلند، ۱۹۸۷) و توسعه اهداف ناقص توسعه هزاره (MDG) با تمرکز محدود خود بر کاهش فقر (مجمع عمومی، ۲۰۱۵) برای ایجاد اولین مجموعه جهانی از اهدافی که به هر سه رکن پایداری می‌پردازند. با انجام این کار، SDGها درخواست علمی برای اهداف توسعه پایدار جهانی را دریافت می‌کنند و به حفظ توسعه پایدار در اولویت برنامه‌های سیاسی در سراسر جهان کمک می‌کنند. امروزه آن‌ها چارچوب سیاسی مشروعی را فراهم می‌کنند که بر اساس آن دولت‌ها، جامعه مدنی و کسب و کارها می‌توانند سهم خود را در توسعه پایدار برنامه ریزی، اندازه گیری و ابلاغ کنند (Hekmat, 2016). اهداف توسعه پایدار بر نیاز فوری برای تغییر مسیر توسعه ناپایدار که بشریت امروز دنبال می‌کند، تأکید می‌کند. بشریت باید «گام‌های متهورانه و متحول‌کننده‌ای را بردارد که برای سوق دادن جهان به مسیری پایدار و انعطاف‌پذیر ضروری است» (مجمع عمومی، ۲۰۱۵). آرمان‌های توسعه پایدار طیف‌های گسترده‌ای از اهداف را ترسیم می‌کنند که جنبه‌های مختلفی از حیات بشری در بر می‌گیرند که سه حوزه آرمان‌های انسان محو، اقتصاد محور و زیست محیطی را شامل می‌شوند. برای یک دوره ۱۵ ساله این اهداف جدید به طور جهانی توسط همه اجرا می‌شود، کشورها تلاش‌های را برای پایان دادن به تمام اشکال فقر مبارزه با نابرابری و مقابله با تغییرات اقلیمی بر عهده می‌گیرند. اهداف توسعه پایدار همین طور بر روی موفقیت‌های اهداف هزاره توسعه بنانهاده شده است. این اصول همگی به توسعه انسانی به عنوان محور توسعه پایدار متمرکز هستند، ولی تنها برخی از این اهداف را می‌توان در چارچوب حق بر استانداردهای مناسب زندگی دانست و دیگر اصول به سایر حقوق و آزادی‌های بشری ارتباط بیشتری دارند (Rapkin & Strand, 2022).

تلاش زیادی از سوی جامعه بین‌المللی در ارتقای دانش و سیاست‌گذاری در مورد مسائل اجتماعی-اقتصادی انجام شده است. انتقال به سمت اهداف توسعه توسعه پایدار، تجزیه و تحلیل‌های متناسب با این مؤلفه‌ها را در هنگام بررسی دسترسی به منابع مالی، نوآوری مالی و تأمین مالی خرد به‌عنوان یک سیاست انعطاف‌پذیری برای توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر ارائه کرد. با این وجود، به نظر می‌رسد تلاش بیشتر برای مسائل زیست محیطی و حاکمیتی ضروری باشد. اهمیت فزاینده‌ای به موضوعات دسترسی به منابع مالی و تأمین مالی خرد و ابزارهای مالی نوآورانه نسبت داده شده است. مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی تا حد زیادی توسط SDGهای مربوط به دسترسی به منابع مالی و تأمین مالی خرد پوشش داده شده است، در حالی که ابعاد محیطی و نهادی به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است (Kentikelenis et al., 2016). نتایج، مسائل کلیدی و نقاط قوت سیاست، محدودیت‌ها و خطرات را نشان می‌دهند. در میان سایر موارد، نقش محیط‌زیست و حکمرانی باید به‌طور خاص مورد هدف قرار گیرد، همراه با ابعاد خرد سازگاری پایدار. نکته مهم، تجزیه و تحلیل همچنین نشان می‌دهد که با اجرای SDG گام‌های رو به جلو برداشته شده است. پیامدهای سیاستی مهمی برای اقشار آسیب‌پذیر و شکل دادن به سیاست‌های تاب‌آوری برای مقابله با آسیب‌پذیری و گسترش قابلیت‌های آن‌ها به وجود می‌آید (Nandy & Svedberg, 2022). این موضوعات جریان‌های جدیدی از تحقیقات را به خود جذب می‌کند و انتشارات در مورد دسترسی به مالی (خرد) و توسعه پایدار در حال افزایش است. سازمان‌های غیردولتی و لابی‌ها نیز برای بهبود دسترسی مالی به همه مقوله‌های اجتماعی و اقتصادی در راستای اهداف توسعه پایدار تلاش می‌کنند. این موضوع کاربردهای توسعه پایدار قابل تعویض دارد. نقش بخش خصوصی بسیار مهم است: بازیگران مالی، کارآفرینان و مدیران نیز می‌توانند تعیین کننده باشند. گزارش پایداری، گواهی‌نامه‌ها و پاسخگویی می‌تواند به دستیابی به این اهداف کمک کند. در عین حال، ابزارهای جدید فین‌تک و نوآوری‌های مالی می‌توانند گزینه‌های جایگزینی را برای اطمینان از دسترسی مالی به همه پیشنهاد دهند (Nijkamp et al., 2023). اگرچه مأموریت اصلی سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول شامل بهبود سلامت کلان اقتصادی است، اما از منظر اخلاقی، این مأموریت باید مسئولیت هر گونه وخامت سلامتی افراد را نیز شامل شود. از آنجا که بررسی مسائل ارائه شده گواه وجود ارتباط نامطلوب بین سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و نتایج سلامت فردی است، صندوق بین‌المللی پول و دولت‌های شریک آن از یک چارچوب عادلانه بهره‌مند خواهند شد که مبنایی برای ایجاد مبادلات اخلاقی فراهم می‌کند. کفایت‌گرایی می‌تواند چارچوبی از این نوع را فراهم کند که ضمن حفظ تمرکز صندوق بین‌المللی پول بر اقتصاد کلان، سلامت فردی را در نظر بگیرد. سه تئوری دیگر عدالت توزیعی، اصول دیگری را اضافه می‌کنند که با مواد توافق نامه صندوق بین‌المللی پول سازگار نیست. همانطور که قبلاً ذکر شد، کافی‌گرایی معتقد است که توزیع عادلانه است اگر همه افراد در یک جمعیت مقدار کافی کالا داشته باشند، و اگر یک یا چند نفر از آستانه تعیین شده کمتر باشند، ناعادلانه است (Alkire et al., 2017). در ادامه به بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع و مساله تحقیق پرداخته می‌شود. پردیس و عمادی (۱۳۹۹) در بررسی روند تحول خدمات بانک‌های توسعه‌ای دنیا: از توسعه صنعتی تا توسعه پایدار به بررسی روند تحول سبد خدمات بانک‌ها و موسسات مالی توسعه‌ای ملی در نقاط مختلف دنیا از بدو تاسیس و آغاز ارائه خدمات توسعه‌ای در آن‌ها تا سال‌های اخیر پرداخته شد. بدین منظور تعداد ده بانک و موسسه مالی توسعه‌ای ملی بر اساس شاخص‌های تولید ناخالص داخلی و جمعیت، انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج بررسی‌ها نشانگر آن است که تمامی موسسات مورد مطالعه بر اساس شرایط ملی و جهانی موجود و حاکم و با هدف توسعه صنعتی کشورهای منشاء در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری خود به ارائه خدمات به صنایع داخلی پرداخته‌اند. اما با گذشت زمان و تکوین ضرورت توجه و التزام به مقوله‌های اکولوژیکی و مسئولیت‌های اجتماعی در محافل جهانی همچون سازمان ملل متحد در راستای دستیابی به توسعه‌ای پایدار، به

تدریج ماموریت موسسات مالی توسعه‌ای از توسعه صرف پیرامون مسائل صنعتی و اقتصادی به حوزه‌های زیست محیطی و اجتماعی گسترش یافت. بدین ترتیب نظام‌های بانکی توسعه‌ای کشورهای مورد مطالعه در یک روند کاملاً روشن تر و متأثر از سیاست‌های ملی، خدمات خود را در راستای توسعه پایدار بازتعریف و تدوین نموده و هم اکنون با رویکرد تقویت توسعه پایدار در حال ارائه خدمات توسعه‌ای در سطوح محلی و ملی و تلاش برای گسترش این خدمات در سطوح منطقه‌ای می‌باشند. یکی از مهمترین اقدامات انجام شده برای ایجاد سازگاری میان سیاست‌های پولی و بانکی با اهداف توسعه پایدار طرح بانک جهانی موسوم به سیاست تامین مالی توسعه پایدار می‌باشد. هدف از این طرح تحریک کشورها برای حرکت به سوی تامین مالی پایدار و ارتقای همکاری میان موسسه بین المللی توسعه (IDA) و سایر تامین کنندگان در پشتیبانی از تلاش کشورهای دریافت کننده منابع مالی می‌باشد. این چارچوب بر پایه درس‌هایی بدست آمده از اجرای سیاست استقراض غیر اعطایی (NCBP) و سازگاری آن با چشم انداز جدید بدهی و طلبکار صورت پذیرفته است. با توجه به اینکه این طرح در سال ۲۰۲۰ ارایه شده تحقیقات قابل توجهی در خصوص میزان تاثیرگذاری و اثربخشی آن ضرورت پذیرفته است. با این وجود به عنوان یک الگوی سیاست گذاری جدید در بانک جهانی برای ایجاد همسویی میان سیاست‌های این نهاد با برنامه عمل توسعه پایدار در خور توجه است (Keller, 2021). نویسنده در این تحقیق بر پایه سیاست تامین مالی توسعه پایدار که در سال ۲۰۲۰ توسط بانک جهانی در پیش گرفته شده است به بررسی نقش بانک جهانی در رفع بحران‌های مالی کشورهای دارای پایین ترین سطح توسعه یافگی پرداخته است. وی در این تحقیق ضمن تاکید بر اهمیت مدیریت موثر بدهی‌ها به نقش کمیته هیات بانک جهانی برای توسعه از طریق ارزیابی اولیه طرح مذکور برای شناسایی فرصت‌های تقویت اثربخشی از برنامه می‌پردازد. تحقیق مذکور همینطور به دستاوردهای سیاست تامین مالی بانک جهانی در سال اول اتخاذ آن پرداخته است (Prizzon, 2021). این تحقیق نیز همچون تحقیق سابق بر پایه توضیح سیاست تامین مالی توسعه پایدار گروه بانک جهانی بنا نهاده است. تحقیق مذکور در ابتدا توضیحاتی را در مورد این سیاست ارایه می‌دهد. بخش دوم این تحقیق به چهار ضرورت برای مدیریت موثر بدهی‌ها، سیاست‌های مالی و سیستم گزارش دهی به منظور بهبود این سیاست می‌پردازد. این تحقیق افزایش شفافیت در ارزیابی معیارها و شاخص‌ها، شفافیت بیشتر در مورد پیامدها مالی، پشتیبانی از تسهیلات مدیریت بدهی و همکاری میان طلبکاران را به عنوان روش‌های اجرایی شدن این سیاست مورد بررسی قرار می‌دهد. با این وجود تحقیق مذکور به همسویی طرح مذکور با اهداف و آرمان‌های توسعه پایدار نمی‌پردازد.

صندوق از تاریخ تأسیس خود دو مرحله را گذرانده است اولین مرحله دورانی بود که سیستم نرخ ثابت مبادله ارزی وجود داشت دومین مرحله زمانی آغاز شد که نرخ ارز شناور شد. صندوق اعتقاد دارد که طی این دوران در پیشگیری از بروز بحران‌های اقتصادی در جهان نقش عمده‌ای داشته است. یکی از زمینه‌های رشد و رفاه پایدار، حفظ محیط زیست است. در سال‌های اخیر چندین مورد، مباحث زیست محیطی با پیامدهای مهم اقتصاد کلان به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از اینگونه سیاست مطرح شده است. مشاوره صندوق بین المللی پول در مورد مسائل زیست محیطی با همکاری نزدیک با بانک جهانی رشد یافته است. درحالی که بانک جهانی طیف گسترده‌ای از مشاوره‌ی فنی محیط زیست را ارائه می‌دهد، وظیفه‌ی صندوق بین المللی پول در این زمینه محدود به شرایطی است که مشکلات زیست محیطی متأثر از ثبات کلان اقتصادی و رشد پایدار باشد. در حالی که این رابطه در برخی موارد مشهود است، به طور کلی پذیرفته می‌شود که اغلب اوقات، پیوند بین مشکلات زیست محیطی و ثبات اقتصاد کلان چند وجهی و بسیار پیچیده است، واقعیتی که مانع از تعمیم‌های ساده در مورد اثرات زیست محیطی سیاست‌های تثبیت است. با افزودن پیچیدگی، پیوندها به هر دو صورت پیش می‌روند، نه تنها سیاست‌های اقتصاد کلان را داراست که

می‌تواند به طور قابل توجهی شرایط محیطی را بهبود بخشد، بلکه سیاست‌های زیست محیطی ناپایدار نیز ممکن است این پتانسیل را داشته باشد که به طور جدی رفاه اقتصادی و اجتماعی کشور را تضعیف کند (Sadeghi et al., 2019) اما انتقاداتی بر عملکرد صندوق وارد است از جمله اینکه فاصله بین اهداف اولیه صندوق و عملکرد آن در حال حاضر زیاد است و اعطای وام، بر اساس نیازمندترین کشورها نیست زیرا هم اعضای فقیر و هم غنی می‌توانند از تسهیلات مالی صندوق استفاده کنند و مدت بازپرداخت آن برای همه مساوی است

روش‌شناسی تحقیق

گستره موضوعی تحقیق سیاست‌های پولی و مالی مرتبط با دستیابی به اهداف توسعه پایدار می‌باشد. برای این منظور سیاست گذاری مناسب جهت نیل به اهداف توسعه پایدار بررسی شده، جنبه‌های مالی آن مشخص می‌شود و بر این اساس نقش سیاست‌های پولی و مالی تاثیرگذار در این حوزه تبیین خواهد شد. بر این اساس سیاست‌های اتخاذی از سوی نهادهای پولی و مالی بین‌المللی و به تبع آن قوانین و مقررات بانکی داخلی از جهت همسویی یا تعارض با پیش نیازهای مذکور مورد ارزشیابی و سنجش قرار خواهد گرفت. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، بنیادی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای است که از منابع مدون مشتمل بر مجموعه قوانین ایران، کتب، رساله‌ها، مقالات، جزوات و سایت‌ها استفاده می‌شود که پس از گردآوری مطالب مورد نظر به تطبیق، تلفیق، تجزیه و تحلیل این موارد پرداخته شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات فیش برداری از منابع معتبر داخلی می‌باشد همچنین در تدوین فرضیه‌ها و جمع‌آوری ادبیات موضوع علاوه بر روش کتابخانه‌ای از روش نوین فضای مجازی (کتابخانه‌های دیجیتالی، بانک‌های اطلاعاتی و اینترنتی و سایت‌های معتبر حقوقی) نیز به کار گرفته شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل و جمع‌بندی مطالب است روش گردآوری اطلاعات، روش مطالعه‌ای و کتابخانه‌ای با مراجعه به اسناد و مدارک موجود و مرتبط است.

یافته‌های پژوهش

اصول و شرایط صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین‌المللی پول (IMF) در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ به وجود آمد و دفتر مرکزی آن در واشنگتن دی سی، ایالات متحده آمریکا قرار دارد. تا دسامبر ۲۰۲۲، ۱۹۰ کشور عضو آن شده‌اند. هیئت مدیره آن از اعضای بیش از ۱۸۰ کشور در سراسر جهان تشکیل شده است. بنابراین هر عضو، نماینده کشور خود است. صندوق از تاریخ تأسیس خود دو مرحله را گذرانده است اولین مرحله دورانی بود که سیستم نرخ ثابت مبادله ارزی وجود داشت دومین مرحله زمانی آغاز شد که نرخ ارز شناور شد. صندوق اعتقاد دارد که طی این دوران در پیشگیری از بروز بحران‌های اقتصادی در جهان نقش عمده‌ای داشته است. درواقع چندین سال هدف اصلی این صندوق نظارت بر سیستم نرخ‌های پایدار و ثابت ارز در میان ارز کشورهای عضو بود. از سال ۱۹۷۱، نرخ‌های تبادل ارزهای جهانی امکان شناوری داشته‌اند و نیروهای بازار عرضه و تقاضا، ارزش آن‌ها را تعیین می‌کند. در سال ۲۰۱۰، صندوق بین‌المللی پول شامل ۱۸۷ کشور عضو بود که هزینه اشتراک اولیه را برای عضو شدن می‌پرداختند. این سازمان در راستای دستیابی و ارتقای اقتصاد پایدار جهان از طریق ارتقا افشای مالی شفاف در میان ملت‌های عضو، ارائه وام در حین دوره‌های بحران اقتصادی و حمایت فنی ارائه شده از طریق ابزارهای آموزشی و ترفیعی است. اساسنامه صندوق در ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۹ و دوباره در ۱ آوریل ۱۹۷۸ اصلاح شد. اولین اصلاحیه حق برداشت ویژه (SDR) را ایجاد کرد. اصلاحیه دوم، بازنگری کامل مواد پس از فروپاشی نظام ارزش اسمی بود. اصلاحات مواد زمانی به تصویب می‌رسد که سه پنجم اعضا و ۸۵ درصد از کل قدرت رای پذیرفته شوند. برای اصلاح سه ماده، پذیرش کلیه اعضا ضروری است.

شخصیت حقوقی بین المللی صندوق بین المللی پول

برای دستیابی به میزان تطابق شاخصه استقلال کارکردی و مالی، بررسی مفاد توافقنامه صندوق بین المللی پول، حکایت از استقلال فعال صندوق بین المللی پول از اعضای آن دارد. بررسی ماده ۱ اساسنامه صندوق بین المللی پول تأکید دارد که صندوق بین المللی پول در اتخاذ کلیه سیاست‌ها و تصمیمات خود، از اهداف مندرج در اساسنامه الهام می‌گیرد. بخش ۲ ماده ۱ توافقنامه میان صندوق بین المللی پول و سازمان ملل نیز بر کارکرد مستقل سازمانی بر مبنای خاستگاههای طبیعی و وظایف صندوق بین المللی پول تأکید دارد. شق پنجم بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه صندوق بین المللی پول، همانند قسمت ۳ ماده ۵ اساسنامه بانک جهانی، بر استقلال عملکرد کارکنان و مدیریت صندوق بین المللی پول از کشورهای عضو اشاره دارد. علاوه بر این، بر اساس ماده ۹ اساسنامه، صندوق بین المللی پول از گستره‌ای از مصونیت‌ها چون مصونیت قضایی، معافیت دارایی‌های صندوق از محدودیت‌ها، امتیاز برای مکاتبات و مخابرات، مصونیت و امتیازات کارکنان و مدیران و درنهایت معافیت‌های مالیاتی برخوردار است. راجع به شاخصه دوم، صلاحیت ایجاد حقوق و تعهدات بین المللی، به استناد ماده ۹ اساسنامه صندوق بین المللی پول، در زمینه عقد قرارداد، تحصیل و فروش اموال منقول و غیرمنقول و اعمال حقوقی، دارای شخصیت حقوقی کامل است. این موضوع به وضوح بر صلاحیت و امکان ورود صندوق بین المللی پول به توافق با سایر سازمان‌ها تأکید دارد (Kentikelenis et al., 2016). برای نمونه می‌توان به توافق نامه میان صندوق و سازمان ملل اشاره داشت. هرچند در این میان نباید از نظر دور داشت که بر ماهیت توافقات میان صندوق و کشورهای عضو به لحاظ میزان الزام آوردن از منظر تعهدات بین المللی، تردیدهایی وارد است. منشأ این تردید، بخشی از محتوای مندرج در «راهنمایی برای مشروطیت استفاده از منابع مالی صندوق» است که در آن اشاره شده که نباید توافقات میان صندوق و کشورهای عضو را همچون «معاهده» تفسیر کرد. در ادامه این بخش، راهنما اشاره می‌کند که نباید مغایرت از ضوابط برنامه‌های اقتصادی در کشورهای عضو را به عنوان نقض وظایف و تعهدات تفسیر کرد. ازاین رو بسیاری بر این باورند که توافقات میان صندوق بین المللی پول و کشورهای عضو، اصولاً به لحاظ حقوقی لازم الاجرا نیست و باید در واقع در قالب «حقوق نرم» بررسی شود. البته اشاره اخیر، لزوم بررسی این توافقات در قالب قواعد بین المللی را نفی نمی‌کند.

در حوزه بررسی شاخصه سوم که بر صلاحیت طرح و دفاع از دعاوی بین المللی اشاره دارد، همان طور که پیشتر نیز ذکر شد، بخش ۲ ماده ۹ اساسنامه صندوق بین‌المللی پول بر اعطای کامل شخصیت حقوقی به منظور اقدامات قانونی اشاره دارد. بند (ج) ماده ۲۹ اساسنامه نیز تقریباً مشابه ماده ۱۰ اساسنامه بانک جهانی بر لزوم ارجاع هرگونه اختلاف نظر میان صندوق و اعضا به روند داوری تأکید دارد. همان گونه که درمورد بانک جهانی اشاره شد، این موضوع، شاهدی بر قابلیت صندوق بین المللی پول برای طرح و ارائه دعاوی بین المللی است. درمجموع باید اذعان داشت که بستر موجود برای جایگاه شخصیت حقوقی بین المللی درمورد صندوق بین المللی پول در قیاس با بانک جهانی، بنیان‌های ضعیف تری دارد. یکی از دلایل احتمالی برای چنین وضعی، شاید تحت تأثیر توجه بیش از حد بر جایگاه حقوقی داخلی مصرح در متن توافقنامه صندوق است. هرچند این موضوع را نباید نادیده گرفت که شورای صندوق بین المللی پول بر جایگاه شخصیت بین المللی حقوقی صندوق و شمولیت حقوق بین الملل در موارد مرتبط تأکید کرده است. بخش سوم ماده ۹ اساسنامه صندوق بین المللی پول به روشنی دلالت بر هرگونه مصونیت در قبال رسیدگی‌های قضایی دارد مگر در زمانی که به طور مصرح بر سلب مصونیت تأکید شده باشد.

ماموریت‌های صندوق بر اساس توسعه پایدار

ماموریت‌های صندوق پول در راستای اهداف ذکر شده تعریف می‌شوند درواقع هدف اولیه صندوق بین‌المللی پول تثبیت ارز کشورها و در دوره بعدی کمک به کشورهای درحال توسعه برای رسیدن به توسعه پایدار بود در همین راستا و بر طبق اساسنامه صندوق بین‌المللی، ماموریت‌های آن تعریف شده است که در این بخش به آن می‌پردازیم.

گفتار اول- ماموریت‌های صندوق پول

ایده اصلی تأسیس صندوق بین‌المللی پول، ایجاد یک سیستم پولی بین‌المللی منظم است که در نتیجه، سیستم پرداخت‌های بین‌المللی و تعدیل نرخ‌های تبدیل در میان ارزهای ملی را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، سیاست‌ها و عملکردهای آن با هدف کاهش نرخ فقر جهانی و ارتقای تجارت بین‌المللی و در نتیجه حمایت از اقتصادهای سراسر جهان انجام شد. صندوق بین‌المللی پول اگر چه دارای اساسنامه مشخصی بوده که بیش از همه بنا بر مقتضیات پس از جنگ جهانی دوم تنظیم شده، اما در دوره‌های مختلف و با تغییر محیط اقتصاد جهانی اهداف متفاوتی را در اقتصاد بین‌المللی دنبال کرده است. فراتر از این صندوق برخلاف آن چه مخالفان آن می‌گویند، دارای یک رویکرد خاص و بدون تعدیل نبوده است. صندوق نشان داده است که اگر چه در برخی موارد (مانند بحران جنوب شرق آسیا در دهه ۱۹۹۰) بسیار به حفظ چارچوب‌های بازار آزاد سرمایه معتقد بود، اما در موارد دیگر (مانند بحران بدهی‌ها در اروپا) نشان داد که دیدگاه‌ها را در معرض آزمون قرار داده و حاضر به تعدیل آنهاست. حتی سیاست‌های پیشنهادی خود را نیز با آشکار شدن ناکارایی آن‌ها در طول بحران اخیر تعدیل کرده است. در حالی که در ابتدای بحران اخیر صندوق عمق رکود را کمتر از حد واقعی پیشبینی می‌کرد، اما با مشخص شدن عمق مشکلات، صندوق به تعدیل سیاست‌های پیشنهادی پیشین خود روی آورد. به بیان دیگر، هر چند مخالفان صندوق بنا بر ذهنیت قبلی که از آن ساخته‌اند، هنوز هم می‌توانند به مثال‌هایی روی آورند و مدعی باشند که صندوق هنوز بر پایه سیاست‌های بازار آزاد و بدون هیچ انعطافی در پی عملی کردن این سیاست‌هاست، اما اگر تصمیمات صندوق در یک چارچوب تاریخی مورد تحلیل قرار گیرد، می‌توان به راحتی انعطاف در سیاستگذاری‌ها را در طول دهه‌های گذشته دریافت. در حقیقت، رویکرد صندوق در حال حاضر به سیاست‌های بازاری بیش از آن که برآمده از نگاهی ایدئولوژیک باشد، توجه به اصلی است که بدون آن خلاقیت و رشد اقتصادی صورت نمی‌گیرد. این رویکرد در حالی اصل قرار می‌گیرد که متغیرهای دیگر مانند شرایط دیگر اقتصادی کشور می‌تواند عمل بدان را منعطف کند. در زیر به مهمترین ماموریت‌های صندوق بین‌المللی پول اشاره می‌کنیم:

همکاری‌های پولی بین‌المللی

در جریان بیماری فراگیر کرونا، کشورهای گروه ۲۰ دو نهاد مالی پیشرو جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را در نظر داشتند که نقشی مرکزی در حمایت از این کشورها ایفا کنند و به عنوان «آتش نشانان مالی» عمل کنند. در این دوره، هر دو مجموعه‌ای از ابزارها را اعلام کردند. برای مقابله با تأثیر همه‌گیری اما آیا این بهترین راه برای دستیابی به امنیت جهانی پایدار است؟ در این زمینه صندوق بین‌المللی پول به درخواست‌های بیش از ۸۰ کشور برای کمک اضطراری پاسخ می‌دهد و دو جریان مالی اضطراری را در دسترس قرار داده است. اول، تا ۵۰ میلیارد دلار بودجه پرداخت سریع برای LMICها در دسترس است که نیازی به داشتن یک برنامه تمام عیار صندوق بین‌المللی پول ندارند. این صندوق تا کنون حدود ۴۰۰ میلیون دلار موجود است و ممکن است افزایش بیشتری پیدا کند. تا اوایل آوریل، تنها چهار کشور از هر دو ابزار حمایت دریافت کرده بودند، و پاسخ اصلی صندوق بین‌المللی پول بیشتر از این بوده است: درخواست از کشورهای بحران‌زده

برای درخواست وام‌های متعارف، البته با انعطاف‌پذیری بیشتر در تامین مالی - طبق گزارش‌ها تا ۱ تریلیون دلار می‌رسد. در دسترس. این وام‌ها مشروط به مشروطات بحث برانگیز هستند - اصلاحاتی که باید قبل از پرداخت پول انجام شوند. چنین مشروطه‌هایی اثرات نامطلوب بر سلامت جمعیت دارند زیرا شامل اقدامات سیاست‌گذاری نادرست مانند کاهش بودجه، کاهش تعداد و دستمزد کارکنان بهداشتی و اجتماعی، تضعیف حمایت‌های نیروی کار، یا ترویج خصوصی‌سازی می‌شوند (Nijkamp et al., 2023).

توسعه تجارت آزاد

صندوق بین‌المللی پول با هدف تغییر وضعیت نامطلوب اقتصاد جهانی، گسترش و بسط تجارت آزاد، تنظیم و تدوین نظام نوین اقتصادی و پولی و کمک به رشد کشورها در حال توسعه و کمتر توسعه یافته تشکیل شد و یکی از معتبرترین منابع ارزیابی و پیش‌بینی وضعیت اقتصاد بین‌المللی قلمداد می‌گردد. صندوق بین‌المللی پول با توصیه تجارت آزاد به کشورهای وام‌گیرنده سعی کرده است اقتصادانها را به رشد برساند. نمونه‌هایی از این روش در کشورهای امریکای جنوبی بکار گرفته شده است (Rapkin & Strand, 2022).

طرفداران نئولیبرالیسم عمدتاً شیلی را یک نمونه موفق از اجرای سیاست‌های برنامه تعدیل ساختاری می‌دانند و در استدلال هایشان به رشد اقتصادی بالای شیلی در طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ و رشد صادرات آن کشور در این دوره اشاره دارند. از نگاه این عده، آنچه که اصالت دارد، اصل آزاد سازی و خصوصی سازی است که اگر اجرا شود، بقیه مشکلات بدنال آن حل می‌گردد. این عده معتقدند مشکلاتی که در این دوره به لحاظ اقتصادی در شیلی به وقوع پیوسته، بی‌ارتباط با سیاست‌های تعدیل ساختاری است و ریشه در سیاست‌های پوپولیستی دولت از جمله ملی کردن صنایع داخلی و افزایش هزینه‌های اجتماعی و همچنین ساختارهای معیوب داخلی است که موجب بروز تورم و کسری بودجه شده است. همین نگاه در مورد آرژانتین وجود دارد (Alkire et al., 2017). طرفداران نئولیبرالیسم آرژانتین را به عنوان نمونه یک کشور توسعه یافته در آمریکای لاتین با رشد اقتصادی بالا می‌دانند و نوسانات و بی‌ثباتی‌های اقتصادی این کشور در دهه‌های اخیر را ناشی از سیاست‌های پوپولیستی دولت پرون نظیر افزایش عرضه پول، ملی کردن صنایع، جایگزینی واردات و افزایش هزینه‌های دولت می‌دانند. برخی دیگر نیز تأکید کرده اند که کاستی اصلی سیاست گذاری اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ این بود که اصلاحات اقتصادی با عزم کافی دنبال نمی‌شد. در مورد اکوادور نیز شاهد آن هستیم که برخی از طرفداران نئولیبرالیسم از این کشور به عنوان نمونه‌ای از ثبات اقتصادی در آمریکای لاتین یاد می‌کنند و مشکلات ایجاد شده در این دوره را به سیاست‌های ملی‌گرایانه قبل از اجرای تعدیل ساختاری نسبت می‌دهند. از سوی دیگر منتقدین سیاست‌های تعدیل ساختاری معتقدند اگرچه عوامل سیاسی و نهادی و زمینه‌های داخلی در بروز بی‌ثباتی اقتصادی در کشورهای مدنظر مؤثر بوده اند، اما نمی‌توان تأثیر اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در بروز این نابسامانی‌ها را نادیده گرفت. واضح است که وقتی لغو موانع جابجایی سرمایه همراه با آزادسازی قیمت‌ها و کنترل زدایی در حوزه سیاست‌گذاری دولت از سوی صندوق بین‌المللی پول تجویز می‌شود، اجرای این سیاست‌ها نتیجه‌ای جز فرار سرمایه، رکود اقتصادی، افزایش فاصله طبقاتی و افزایش نرخ بیکاری نخواهد داشت.

برداشتن تعرفه‌ها و محدودیت‌های وارداتی

در اغلب کشورهای توسعه یافته موضوع کلیدی، تلاش برای توسعه حد و مرزهای سیاست‌های تجاری جدید، بازکردن بازارهای خدماتی و ایجاد سیستم‌های قانونی منسجم تر می‌باشد به عنوان مثال هماهنگی بهتر در تنظیم مقررات داخلی از طریق گفتگو با قانون‌گذاران، به رسمیت شناختن طرفین و در برخی موارد هماهنگ سازی. این امر منافع بالقوه‌ای برای آن‌ها به همراه دارد در صورتی که عدم یکپارچگی و انسجام به حداقل کاهش یابد. تعداد زیادی از اقتصادهای در حال ظهور، به عنوان مثال در آسیای جنوبی و امریکای لاتین کماکان می‌توانند از

یکپارچگی از طریق آزادسازی سستی، استفاده از لنگر اتصال به زنجیره ارزش جهانی، حذف سیاست‌های جایگزینی واردات (سیاست‌های جایگزینی واردات در گذشته با شکست مواجه شده است و اجتناب از اعمال سیاست‌های حمایتی و استفاده از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای، منتفع شوند. آزادسازی تجاری منافع حاصل از اعمال اصلاحات ساختاری را تکمیل و تقویت می‌کند و از تقویت چارچوب‌های سیاستی و نهادی حمایت می‌کند. کشورهای کم درآمد به تجارت و یکپارچگی برای پیوستن به زنجیره ارزش جهانی به عنوان حلقه مرکزی استراتژیرشد و توسعه شان نیاز دارند. آن‌ها می‌توانند انواع روش‌های حمایتی را که مانع از ایجاد اشتغال و رشد صادرات می‌شود حذف کنند. برای این کشورها پرداختن به موانع تجاری قدیمی از قبیل ارتقاء زیرساخت‌های تجاری و بهبود نهادهای اقتصادی هنوز از اهمیت بسزایی برخوردار است (International Monetary Fund, 2021). اقتصادهای مذکور ممکن است به همکاری فنی نیاز داشته باشند از قبیل این که چگونه با محیط کمتر حمایتی، سازگار شوند (به عنوان مثال کارکردهای مالی تعرفه‌های کمتر) توالی، سرعت و هماهنگی اصلاحات چگونه باشند؛ و در چه شرایطی از بهبود دسترسی به بازارهای اقتصادهای پیشرفته، بهره برداری کنند. نقطه ضعف دیگر صندوق این است که برنامه‌های تثبیت و تعدیل صندوق تنها جنبه‌های اقتصادی ملموس را در نظر می‌گیرد در حالی که نگرش یک بعدی در مسایل انسانی و اجتماعی پیامدهای نامطلوبی دارد. هیچ پدیده اجتماعی نیست که یک بعدی باشد موضوعات اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نیست بویژه آنکه آزمایشگاه موضوعات اقتصادی، جامعه و انسان است. در این صورت چگونه می‌توان تنها به جنبه‌های خشک اقتصادی استناد نموده و از جنبه‌های اجتماعی و انسانی و اخلاقی غافل ماند.

رفع محدودیت‌های دولتی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی

هدف سیاست ایجاد تسهیل برای سرمایه‌گذاری خارجی، تأمین سرمایه مورد نیاز کشورهای جهان سوم در راستای اجرای برنامه‌های توسعه و عمران است. همچنین در کنار آن سیاست تسهیل بازرگانی آزاد نیز توصیه می‌شود. زیربنای فکری این سیاست نظریه‌ی مزیت نسبی ریکاردو در عرصه‌ی تجارت خارجی است که در آن فرض بر این است که در یک نظام بازرگانی آزاد همه‌ی طرف‌های تجاری دارای منافع هستند بنابراین به سود تمام کشورهاست که به آن وفادار باشند (Kentikelenis et al., 2016).

توانمندسازی سازمان‌های مردم نهاد

سازمانهای مردم نهاد (NGOs) به عنوان ساختارهای اجتماع‌محور با هدف منفعت‌رسانی به مردم جامعه و با ایجاد فضاهای کسب‌وکاری توسط دولت و رفع موانعی که پیش از این وجود داشت اقدام به توسعه فعالیت‌های خود در زمینه‌های تجاری و اقتصادی نموده‌اند. دخالت دادن شهروندان در سیاست‌گذاری به حکومت‌ها اجازه می‌دهد تا منابع جدیدی از عقاید، اطلاعات و منافع لازم را در زمان تصمیم‌گیری بدست آورند. مشغول ساختن مردم برای کارآمد کردن سیاست‌گذاری، حکومت‌ها باید در منابع و زمان کافی برای قوی ساختن چارچوب‌های نهادی، حقوقی و سیاست‌گذاری سرمایه‌گذاری کنند. آن‌ها باید ابراز‌های مناسب را توسعه داده و از آن‌ها استفاده نمایند که شامل مجموعه‌ای از نظر سنجی افکار عمومی متعارف از ملت در مقیاس وسیع تا کنفرانس‌های اجماع آراء با گروه‌های کوچکتر از اشخاص غیرحرفه‌ای و عام می‌باشد. لکن تجربیات نشان داده است که بدون رهبری و اجرای مدیریت عمومی حتی بهترین سیاست‌گذاری‌ها از لحاظ اجرایی تأثیر کمتری دارد. عناصر کلیدی برای موفقیت دخالت شهروندان در سیاست‌گذاری شامل اطلاعات، مشاوره و مشارکت عمومی است. اطلاعات تهیه شده باید عینی، کامل، روشن، با سهولت در دسترسی و قابل فهم باشد.

رشد و رفاه پایدار با حفظ محیط زیست

صندوق از تاریخ تأسیس خود دو مرحله را گذرانده است اولین مرحله دورانی بود که سیستم نرخ ثابت مبادله ارزی وجود داشت دومین مرحله زمانی آغاز شد که نرخ ارز شناور شد. صندوق اعتقاد دارد که طی این دوران در پیشگیری از بروز بحران‌های اقتصادی در جهان نقش عمده‌ای داشته است. یکی از زمینه‌های رشد و رفاه پایدار، حفظ محیط زیست است. در سال‌های اخیر چندین مورد، مباحث زیست محیطی با پیامدهای مهم اقتصاد کلان به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از اینگونه سیاست مطرح شده است. مشاوره صندوق بین المللی پول در مورد مسائل زیست محیطی با همکاری نزدیک با بانک جهانی رشد یافته است. در حالی که بانک جهانی طیف گسترده‌ای از مشاوره فنی محیط زیست را ارائه می‌دهد، وظیفه صندوق بین المللی پول در این زمینه محدود به شرایطی است که مشکلات زیست محیطی متأثر از ثبات کلان اقتصادی و رشد پایدار باشد. در حالی که این رابطه در برخی موارد مشهود است، به طور کلی پذیرفته می‌شود که اغلب اوقات، پیوند بین مشکلات زیست محیطی و ثبات اقتصاد کلان چند وجهی و بسیار پیچیده است، واقعیتی که مانع از تعمیم‌های ساده در مورد اثرات زیست محیطی سیاست‌های تثبیت است. با افزودن پیچیدگی، پیوندها به هر دو صورت پیش می‌روند، نه تنها سیاست‌های اقتصاد کلان را داراست که می‌تواند به طور قابل توجهی شرایط محیطی را بهبود بخشد، بلکه سیاست‌های زیست محیطی ناپایدار نیز ممکن است این پتانسیل را داشته باشد که به طور جدی رفاه اقتصادی و اجتماعی کشور را تضعیف کند (Nandy & Svedberg, 2022) اما انتقاداتی بر عملکرد صندوق وارد است از جمله اینکه فاصله بین اهداف اولیه صندوق و عملکرد آن در حال حاضر زیاد است و اعطای وام، بر اساس نیازمندترین کشورها نیست زیرا هم اعضای فقیر و هم غنی می‌توانند از تسهیلات مالی صندوق استفاده کنند و مدت بازپرداخت آن برای همه مساوی است.

کاهش فاصله توسعه‌ای بین کشورها

به نظر می‌رسد صندوق بین المللی پول در تأمین تسهیلات مالی مورد نیاز در این زمینه و کمک در جهت بهبود سطح آموزش در کشورهایی که از حداقل امکانات آموزشی محروم هستند در حدی که از صندوق انتظار می‌رود چندان عملکرد موفقیت آمیز و رضایت بخشی نداشته و لازم است ساز و کارهای بهتر و قوی تری را در پیش گیرد تا در کنار دیگر سازمان‌هایی که در این زمینه فعالیت دارند بتوان به این امر مهم بهتر رسیدگی کرد. با یک نگاه عمیق تر به این مسئله مهم می‌توان فهمید که یکی از دلایل مهم شکاف طبقاتی میان جهان فقیر و جهان غنی تا حد بسیار زیادی نتیجه‌ی همین فقر فرهنگی محسوب می‌شود که به وابستگی بیشتر کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند دامن می‌زند و برعکس آن‌ها را از توسعه باز می‌دارد. صندوق بین المللی پول باید توجه شایسته تری را در مورد فراهم نمودن خدمات آموزشی در کشورهایی که نیاز مبرم به آن دارند از خود نشان دهد. صندوق می‌تواند از کشورهای عضو خود که به عنوان قطب‌های صنعتی محسوب می‌شوند بخواهد تا اقدامات الزم را از لحاظ سرمایه‌گذاری و دادن بودجه‌ی لازم به این دسته از کشورها انجام دهند. اگر صندوق بین المللی پول وام‌های خود را با شرایط مناسب تری در اختیار کشورها قرار دهد و به جای به کارگیری سیاست تعدیل ساختاری درصد حمایتی خود را در زمینه تأمین هزینه‌های الزم برای آموزش افزایش دهد به موازات آن کشورهای فقیر نیز رغبت بیشتری برای دریافت وام خواهند داشت و دیگر نگران شرایط تحمیل شده بر خود در مورد بازگرداندن وام‌های دریافتی نخواهند بود.

مشاوره در سیاست گذاری‌ها

صندوق بین المللی پول در راستای انجام وظایف خود به ویژه نظارت و استفاده مناسب از منابع، همه ساله اطلاعات بهنگامی از عملکرد متغیرهای اصلی اقتصادی و جهت گیری‌های سیاستی کشورهای عضو جمع‌آوری می‌نماید و توصیه‌های مشورتی خاصی را نیز در

اختیار تصمیم‌گیران ارشد کشورها قرار می‌دهد. این توصیه‌ها علاوه بر تحلیل شرایط کنونی اقتصاد کشور و پیش بینی افق میان مدت آتی آن، ناظر بر نتایج محاسبه برخی شاخص‌هاست که دید و نگرش خاصی نسبت به صحت عملکرد اقتصاد و بخش‌های آن با توجه به استانداردهای بین‌المللی و نیز تجارب دیگر کشورها ارائه کرده و بدین لحاظ ارزشمند تلقی می‌شود. در واقع کارشناسان ارشد نهادهای بین‌المللی به واسطه دنبال نمودن مستمر وقایع کشورها، از سطحی از دانش تجمعی و کاربردی برخوردارند که فی‌نفسه می‌تواند مبنای برخی اعلام خطر یا اشاره به انحراف از مسیر باثبات و قابل دوام در بلندمدت برای یک بخش یا حوزه فعالیت خاص در کشور مورد بررسی باشد. مشاوره‌های صندوق بین‌المللی پول عموماً در سه طبقه قرار می‌گیرد: منظم و ادواری؛ خاص و مورد آخر تکمیلی. انجام کلیه مشاوره‌های مذکور تحت ماده ۴ اساسنامه صندوق الزامی می‌باشد. در واقع مشاوره ماده ۴ شامل بررسی‌های مرتب و به لحاظ فواصل زمانی قاعده‌مندی است که مقامات کشورهای عضو و کارشناسان صندوق در کلیه جنبه‌های سیاستی و عملکردی به عمل می‌آورند و نهایتاً اطلاعات حاصله مبنای مباحثات مدیران اجرایی صندوق در مورد سیاست‌های اعضا قرار می‌گیرد. برخی مواد اساسنامه اعضا را ملزم می‌کند در تلاش‌های صندوق برای ارتقای ثبات نظام‌های ارزی مشارکت کنند. علاوه بر آن اعضا موافقت کرده‌اند که رشد اقتصادی توأم با ثبات قابل قبول سطح قیمت‌ها را دنبال کرده، شرایط مالی و اقتصادی خود را تقویت نموده و از دستکاری نرخ ارز برای کسب دامنه رقابت‌پذیری غیرواقعی برای اقتصاد خود پرهیز کنند. لذا پذیرش این هیأت‌ها و همکاری شفاف با آن‌ها در زمره مواد مورد اجماع اعضاست (Nijkamp et al., 2023).

کمک‌های مالی از طریق قرض

در حال حاضر جهان با ضعیف‌ترین چشم‌انداز رشد میان‌مدت در سه دهه اخیر در بحبوحه سطوح بالای بدهی، تجارت پراکنده و چشم‌انداز نرخ‌های بهره بالاتر و طولانی‌تر مواجه است. در این شرایط، صندوق بین‌المللی پول تلاش‌های خود را برای ارتقای ثبات و رشد مضاعف می‌کند. همه کشورها با عدم اطمینان ناشی از شوک‌های مربوط به همه‌گیری، جنگ در اوکراین و چالش‌های دگرگونی مانند تغییرات آب و هوا و دیجیتالی شدن دست و پنجه نرم می‌کنند. چندین کشور در حال توسعه و بازارهای در حال توسعه انعطاف‌پذیری قابل توجهی از خود نشان داده‌اند. اما بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای کم درآمد - در میان شرایط مالی سخت‌تر، فضای محدود سیاست‌گذاری برای مانور، به طور فزاینده‌ای آسیب‌پذیر هستند. این کشورها همچنین با کمبود بودجه، افزایش ناامنی غذایی و همگرایی کندتر به سمت استانداردهای زندگی بالاتر مواجه هستند. بار بدهی بالا و افزایش شدید هزینه‌های خدمات بدهی - که بیش از ۴۰ درصد درآمد در چندین کشور بسیار بدهکار است - فضای کمی را برای هزینه‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های افزایش‌دهنده رشد باقی می‌گذارد. این بر پایداری بدهی و ثبات اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. صندوق بین‌المللی پول به درخواست‌ها برای ایفای نقش حتی بیشتر برای حمایت از کشورهای عضو در این زمان‌های بسیار چالش‌برانگیز، به ویژه از طریق تأمین مالی تراز پرداخت‌ها و توصیه‌های سیاستی، پاسخ می‌دهد. در سپتامبر ۱۹۹۹، صندوق بین‌المللی پول تمرکز جدیدی را برای مبارزه با فقر برای کار خود در کشورهای کم درآمد پذیرفت. به عنوان بخشی از این اقدام، صندوق بین‌المللی پول تسهیلات تعدیل ساختاری پیشرفته (ESAF) خود را خاتمه داد و تسهیلات وام‌دهی جدیدی برای کشورهای کم درآمد به نام تسهیلات کاهش فقر و رشد (PRGF) جایگزین آن کرد. هدف اصلی PRGF رسیدن به سیاست‌هایی است که به وضوح بر رشد اقتصادی و کاهش فقر متمرکز شده و در نتیجه مالکیت ملی بهتر، به طور مداوم اجرا شوند. این تسهیلات جدید بیش از تغییر نام، تعدادی نوآوری را با خود به همراه آورده است تا اطمینان حاصل شود که برنامه‌های وام‌دهی برای فقرا و در راستای استراتژی هر کشور برای کاهش فقر طراحی

شده‌اند. این نوآوری‌ها با مشارکت قوی‌تر با بانک جهانی برای افزایش اثربخشی و تأثیر پایدار تلاش‌های ما برای کاهش فقر تکمیل می‌شوند. در نتیجه، صندوق بین‌المللی پول منابع مالی بی‌سابقه‌ای را به اعضا اختصاص داده است. از ماه سپتامبر ۲۰۲۲، صندوق بین‌المللی پول با ۹۴ کشور تعهدات وام به مبلغ ۲۸۷ میلیارد دلار یا ۲۱۸ میلیارد SDR دارد. این شامل:

- تسهیلات احتیاطی برای هفت اقتصاد بازار نوظهور به مبلغ ۹۳ میلیارد دلار

- تعهدات وام دهی به ۳۵ اقتصاد بازار نوظهور به مبلغ ۱۳۴ میلیارد دلار

- وام بدون بهره ۲۳.۵ میلیارد دلاری برای ۴۵ کشور کم درآمد

- ۳۰.۵ میلیارد دلار اعتبار معوق برای تامین مالی اضطراری برای ۷۷ کشور

وام‌های بلند مدت حدود ۶ میلیارد دلار به ۱۱ اقتصاد بازار در حال ظهور تحت تسهیلات انعطاف‌پذیری و پایداری RST. حدود ۴۰ کشور دیگر درخواست یا ابراز علاقه به ترتیبات RSF کرده‌اند. امروزه نیز کار برای کمک به کشورهایی که دچار مشکل بدهی یا نزدیک به آن هستند ادامه دارد و اصلاحات بیشتر در سیاست بدهی در دست بررسی است. این شامل همکاری اعتباردهندگان و تضمین‌های تامین مالی، حمایت از تعامل بهتر با اعضا و طلبکاران، و حمایت از اعضای تحت بازسازی بدهی در صورت مواجهه با شرایط فوق‌العاده است. صندوق بین‌المللی پول همچنین ریاست میزگرد جهانی بدهی‌های مستقل را بر عهده دارد تا کشورهای وام‌گیرنده را با طلبکاران رسمی و غیررسمی گرد هم آورد.

وام‌دهی صندوق بین‌المللی پول به کشورها فضای تنفسی می‌دهد تا سیاست‌ها را به شیوه‌ای منظم تنظیم کنند و راه را برای اقتصاد باثبات و رشد پایدار هموار کند. تعدیل سیاست بسته به شرایط کشور متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، کشوری که با کاهش ناگهانی قیمت صادرات کلیدی مواجه است، ممکن است در حین حرکت برای تقویت اقتصاد و تنوع بخشیدن به صادرات، به کمک مالی نیاز داشته باشد. کشوری که با خروج سرمایه شدید مواجه است ممکن است نیاز به بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران از طریق رسیدگی به مشکلاتی داشته باشد که منجر به فرار سرمایه شد، شاید نرخ‌های بهره بسیار پایین باشد، کسری بودجه و بدهی‌ها خیلی سریع رشد می‌کنند، یا سیستم بانکی ناکارآمد یا ضعیف تنظیم شده است. بدون تامین مالی به موقع صندوق بین‌المللی پول، روند تعدیل یک کشور ممکن است ناگهانی‌تر و دشوارتر باشد. به عنوان مثال، اگر سرمایه‌گذاران تمایلی به تامین مالی جدید نداشته باشند، کشور ممکن است تحت فشار دردناکی از مخارج دولت، واردات و فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرد. تامین مالی صندوق بین‌المللی پول تعدیل تدریجی‌تری را تسهیل می‌کند. از آنجایی که اعطای وام صندوق بین‌المللی پول معمولاً با مجموعه‌ای از اقدامات اصلاحی همراه است، این سیگنال نشان می‌دهد که سیاست‌های مناسبی در حال اجرا هستند و بازگشت سرمایه‌گذاران خصوصی را تشویق می‌کنند. وام‌های صندوق بین‌المللی پول همچنین با هدف حمایت از آسیب‌پذیرترین جمعیت از طریق مشروط کردن سیاست‌ها انجام می‌شود. در کشورهای کم‌درآمد، وام‌دهی صندوق بین‌المللی پول معمولاً به منظور تسريع حمایت مالی از سایر اهداکنندگان و شرکای توسعه است. فرآیند وام‌دهی صندوق بین‌المللی پول انعطاف‌پذیر است. کشورهایی که به سیاست‌های صحیح پایبند هستند، ممکن است بتوانند به منابع بدون مشروط یا محدود دسترسی داشته باشند. همین امر در مورد برخی نیازهای فوری و فوری تحت پوشش ابزارهای تامین مالی اضطراری صادق است.

بحث و نتیجه گیری

صندوق بین‌المللی پول یک سازمان بین‌المللی و یکی از نهادهای مالی مهم سازمان ملل متحد است که بر اجرای سامانه پولی بین‌المللی نظارت دارد. همچنین این نهاد یکی از معتبرترین منابع ارزیابی و پیش‌بینی وضعیت اقتصاد جهانی محسوب می‌شود، اهداف اولیه از تشکیل صندوق عبارت است از: گسترش همکاری‌های پولی بین‌المللی و تسهیل رشد متوازن بازرگانی بین‌الملل، ایجاد سامانه باثبات ارزی بین اعضا و پرهیز از رقابت در کاهش نرخ ارزها و تهیه منابع لازم از طریق منابع عمومی صندوق، به منظور کمک به کشورهای عضو دارای کسری تراز پرداخت‌ها که در مجموع هدف این صندوق نظارت بر جریان بین‌المللی پول در بین کشورهای جهان است. روشهای اصلی صندوق برای دستیابی به این اهداف، نظارت، ایجاد ظرفیت و وام دهی است.

این صندوق در سال ۱۹۴۵ شکل گرفت و در سال ۱۹۴۷ به طور رسمی کار خود را شروع کرد این صندوق در سال ۱۹۸۸، ۱۵۱ عضو داشت. که در سالهای بعد افزایش یافت. دولت ایران جزو ۴۴ کشور دعوت شده به کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ بود و اعضای هیئت چهار نفره اعزامی آن در کمیسیون‌های مربوط به تهیه اساسنامه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شرکت داشتند. تصمیم‌های صندوق بین‌المللی پول، تأثیرات چشمگیری بر وضعیت اقتصادی کشورهای جهان دارد. از صندوق بین‌المللی پول عمدتاً به عنوان آخرین پناهگاه برای گرفتن کمک مالی یاد می‌شود. یعنی هنگامی که که کشورها با بحران مالی جدی روبرو می‌شوند برای دریافت کمک مالی به این سازمان رجوع می‌کنند. کشورهای عضو به هنگام رویارویی با مشکلات می‌توانند برای دریافت وام‌های اضطراری نیز با صندوق گفتگو کنند. به هر حال در این مورد صندوق بین‌المللی پول نمی‌تواند از پول معینی بدون اجازه کشور وام دهنده، استفاده کند.

اگرچه بیشتر اندیشمندان فعالیت‌های صندوق پول را مثبت ارزیابی می‌کنند. اما عده‌ای از منتقدین صندوق بین‌المللی پول، با دشوار کردن اوضاع برای بدهکاران، فشار خود را بر این دولت‌ها افزایش می‌دهد تا آن‌ها را وادار به انجام تغییرات موردنظر صندوق کند و ابزاری برای دخالت کشورهای بزرگ در سیاست‌های داخلی کشورهای در حال توسعه است.

یکی از اهداف صندوق بین‌المللی پول، کمک به رشد و توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه از طریق نظارت بر سیاست‌های مالی و پولی، ایجاد ظرفیت برای دریافت کمک‌های فنی، مشاوره‌های سیاسی و آموزشی و اعطای وام است. در واقع مأموریت صندوق بین‌المللی پول این است که رشد اقتصادی جهانی و ثبات مالی را تشویق کند، تجارت بین‌المللی را تشویق و فقر را در سراسر جهان کاهش دهد. هدف هر دو سازمان افزایش کارایی سیستم تجاری و سیستم مالی در سطح بین‌الملل است. از این رو صندوق بین‌المللی پول بر عملکرد پولی و مالی دولت‌ها نظارت دارد و کشورها را در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی از طریق مشاوره و کمک مالی یاری می‌دهد. صندوق بین‌المللی پول به کشورهای عضو برای کاهش یا رفع مشکلات اقتصادی تسهیلات اعطا می‌کند. میزان اعتبارات اعطایی بر اساس سهمیه کشورها در صندوق بین‌المللی پول تعیین می‌شود.

بر اساس اساسنامه صندوق بین‌المللی پول، اهداف صندوق عبارتند از: تسهیل و توسعه و ازدیاد تجارت میزان یافته بین‌المللی و مساعدت به پیشرفت و افزایش عده افراد مشغول به کار و تأمین درآمد حقیقی و توسعه منابع مولده ثروت تمام اعضا، ثبات در نرخ ارز، تثبیت قیمت ارزها و حفظ ترتیبات منظم برای معاملات ارزی بین اعضا صندوق و اجتناب از رقابت در تنزل قیمت ارزها، اما این اهداف به مرور زمان بیشتر به کمک‌های مالی و غیرمالی به کشورهای کمتر توسعه یافته تغییر کرد که هدف نهایی آن رشد و توسعه پایدار در این کشورها بود. توسعه پایدار به معنای توسعه همه جانبه و دراز مدت است که شامل همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌شود.

صندوق بین‌المللی پول برای رسیدن به توسعه پایدار در کشورهای عضو از سال ۱۹۹۵ کشورها را مجبور به گذاشتن یک سری قوانین داخلی کرد که به طور عمده مبتنی بر کاهش نقش دولت در اقتصاد است. رهنمود صریح صندوق و اصرار در خصوصی‌سازی صنایع دولتی، آموزش و پرورش، خدمات اجتماعی، شرکت‌های مخابراتی، حمل‌ونقل و ترابری، سیستم راه‌آهن، بهداشت و بهداشت، در خدمت به شرکت‌های چند ملیتی است. صندوق بین‌المللی پول دولت‌ها را تشویق می‌کند تا با واگذاری امور اقتصادی خود به بخش خصوصی از سوبسیدها و هزینه‌های دولتی خود بکاهند و فضای هر چه بیشتری در اختیار بخش خصوصی و در واقع شرکت‌های جهانی بگذارند. با بروز بحرانهای مالی صندوق به عنوان یک نهاد پولی بین‌المللی که برای ثبات نرخ ارز و تبدیل پذیری آن‌ها تأسیس شده بود، جای خود را به نهادی مالی بین‌المللی داد که مسئولیت‌های بیشتری دارد و نه تنها مباحث پولی بلکه مباحث مالی – مانند مقررات گزاری و نظارت بر بازارهای سرمایه و بانکها و اصلاحات مالی – را نیز پوشش می‌دهد. با توجه به موارد ذکر شده به بررسی و آزمون فرضه‌های پژوهش می‌پردازیم.

تمرکز صندوق بین‌المللی پول بر اهدافی همچون رشد و رفاه پایدار نقش و کارکرد این نهاد را در قالب نهادهای همسو با آرمان‌های توسعه پایدار قرار می‌دهد. کارکردهای در دستیابی به آرمان‌های توسعه پایدار محدود به موارد مشخصی است. صندوق بین‌المللی پول همراه بانک جهانی جایگاه منحصر به فردی در جامعه جهانی دارد زیرا می‌تواند مستقیماً بر فضای سیاست کشورهای در حال توسعه تأثیر بگذارد. مأموریت صندوق بین‌المللی پول که برگرفته از کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ است، برای نظارت و حمایت از دولت‌ها در مورد مسائل کلان اقتصادی تنظیم شده است. هدف آن حفظ ثبات مالی جهانی است که شامل عمل به عنوان آخرین وام دهنده برای دولت‌ها در بحران‌های مالی است. صندوق بین‌المللی پول از طریق برنامه‌های وام‌دهی مشروط خود، سیاست‌های طرفدار بازار را ترویج کرد. معیار اندازه اقتصادی صندوق بین‌المللی پول توجیه هنجاری را به عنوان تعیین‌کننده سهمیه‌ها دریافت می‌کند، اما اندازه باید با درآمد، ذخایر و تجارت مناسب اندازه‌گیری شده نشان داده شود. معیار درآمد صندوق ناقص است زیرا از نرخ ارز به جای برابری قدرت خرید برای تبدیل ارقام به ارز مشترک استفاده می‌کند. اگر نابرابری سهمیه مطلوب به عنوان یک سهمیه واقعی بالاتر از سهمیه پیش‌بینی شده توسط اندازه اقتصادی تعریف شود، کشورهای کمتر توسعه‌یافته در اوایل تاریخ صندوق بین‌المللی پول تفاوت‌های نامطلوبی داشتند.

مفاد توافقنامه صندوق بین‌المللی پول دقیقاً در آنچه سازمان به‌طور تجربی انجام می‌دهد منعکس می‌کند و مسائل کلان اقتصادی را بر رفاه فردی اولویت می‌دهد. این اولویت بندی حاکی از آن است که حتی اگر مقامات صندوق بین‌المللی پول به بهبود سلامت افراد علاقه مند باشند، مواد موافقت نامه آن‌ها را به اولویت بندی اقتصاد کلان بر رفاه فردی گره می‌زند. بنابراین، برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول مستلزم یک نظریه عدالت توزیعی است که مبنایی را برای متعادل کردن سلامتی اقتصاد کلان و سلامت افراد فراهم می‌کند. با توجه به تأثیر صندوق بین‌المللی پول بر سیاستگذاری‌های عمومی و همین‌طور نحوه تخصیص منابع مالی دولت‌ها، این سیاست می‌تواند تأثیر مستقیم بر برنامه‌ها و طرح‌های دولت‌ها که به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار طراحی می‌شود داشته باشد. از دیدگاه نظری، برنامه تعدیل ساختاری مجموعه‌هایی از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی است که با مذاکره میان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی و دولتی که نیازمند وام است، مورد توافق قرار می‌گیرد. ولی این مذاکره، مذاکره‌ای است بین دو طرف کاملاً نابرابر، زیرا حکومت جهان سومی در این مذاکره نه چیزی برای عرضه کردن دارد و نه می‌تواند به کس دیگری رجوع کند. ماهیت مشترک برنامه تعدیل در قاره‌های مختلف این دیدگاه را تقویت می‌کند که سیاست تعدیل را در واقع بانک و صندوق و نه کشورهای متقاضی وام، تنظیم و تدوین می‌کنند. تعدیل اقتصادی نوعی سیاست اقتصادی است که مبنای نظری آن به نئولیبرالیسم برمی‌گردد و سه هدف عمده را دنبال می‌کند: آزاد سازی (در حوزه قیمت‌ها) و موانع تجاری (خصوصی

سازی) در حوزه اموال دولتی (مقررات زدایی). این اهداف در قالب سیاست‌هایی نظیر برنامه‌های ریاضتی و شوک درمانی در کشورهای مختلف اجرا شده‌اند. هدف بلاواسطه سیاست تعدیل این است که کشورها نباید بیش از آنچه به خارج می‌فروشند از آن‌ها خرید کنند و در ضمن درآمدشان تا حدی باشد که قادر به بازپرداخت بدهی‌های خود گردند. بنابراین کالاهای صادراتی بیشتری فروخته می‌شود، کالاهای خارجی کمتری وارد می‌شود و ارزش پول کشور کاهش می‌یابد تا با ارزان شدن کالاهای صادراتی، توان رقابتی آن‌ها بیشتر شود.

کارکردهای صندوق بین‌المللی پول برای دستیابی به آرمان‌های توسعه پایدار شامل مشاوره در سیاست گذاری‌ها، کمک‌های مالی از طریق قرض و دیگر کمک‌های مالی و ظرفیت سازی از طریق کمک‌های فنی و آموزشی برای اجرای سیاست‌های اقتصادی معقول می‌باشد. مأموریت صندوق بین‌المللی پول نظارت بر سیستم مالی جهانی و ارائه حمایت‌های کلان اقتصادی از ۱۹۰ کشور عضو آن است. این حمایت مشروط به مجموعه‌ای از سیاست‌هایی است که دولت‌های دریافت کننده باید اجرا کنند که چالش برانگیزترین آن‌ها تعدیل ساختاری و ریاضت است. با توجه به ماهیت اغلب تهاجمی سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول، پیامدهای بعدی آن‌ها بر برنامه‌های سلامت جمعیت بحث‌های قابل توجهی را برانگیخته است. در حالی که ماده ۵ صندوق بین‌المللی پول را بر اصلاح مبانی اقتصاد کلان متمرکز می‌کند، با این وجود ماده ۱ بیان می‌کند که یکی از اهداف صندوق بین‌المللی پول این است که «اطمینان بخشیدن به اعضا از طریق در دسترس قرار دادن منابع عمومی صندوق به طور موقت و تحت پادمان‌های کافی در اختیار آن‌ها باشد. بنابراین فرصتی را برای آن‌ها فراهم می‌کند تا ناسازگاری‌های موجود در تراز پرداخت‌های خود را بدون توسل به اقدامات مخرب رفاه ملی یا بین‌المللی اصلاح کنند» با این حال، بررسی ادبیات ما نشان می‌دهد که برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول اغلب در محافظت کافی از جمعیت‌های آسیب‌پذیر شکست می‌خورد. انتقاد برای این امر تا حدی باید متوجه دولت‌هایی باشد که سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول را اجرا می‌کنند، اما تا حدی نیز، و بیشتر به صندوق بین‌المللی پول، زیرا اغلب حزب قدرتمندتر است. در پاسخ به این انتقاد، صندوق بین‌المللی پول به دنبال گنجاندن چندین سیاست اجتماعی در برنامه‌های خود بوده است. مفاد توافقنامه صندوق بین‌المللی پول دقیقاً در آنچه سازمان به‌طور تجربی انجام می‌دهد منعکس می‌شود: مسائل کلان اقتصادی را بر رفاه فردی اولویت می‌دهد. این اولویت بندی حاکی از آن است که حتی اگر مقامات صندوق بین‌المللی پول به بهبود سلامت افراد علاقه مند باشند، مواد موافقت نامه آن‌ها را به اولویت بندی اقتصاد کلان بر رفاه فردی گره می‌زند. بنابراین، برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول مستلزم یک نظریه عدالت توزیعی است که مبنایی را برای متعادل کردن سلامتی اقتصاد کلان و سلامت افراد فراهم می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول، با تمرکز بر رشد اقتصادی و رفاه عمومی، توانسته است در برخی موارد به اهداف توسعه پایدار نزدیک شود. اما این سیاست‌ها، با وجود موفقیت‌های نسبی، همچنان با چالش‌های قابل توجهی در زمینه عدالت اجتماعی و توزیع مناسب منابع مواجه هستند. به عبارت دیگر، گرچه صندوق بین‌المللی پول توانسته است برخی از ابعاد توسعه پایدار مانند رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد، اما در سایر ابعاد همچون کاهش نابرابری‌ها و بهبود شرایط اجتماعی، نتایج به دست آمده متناقض و گاهی ناکافی بوده‌اند. در نهایت، این تحقیق تأکید می‌کند که سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که تمامی ابعاد توسعه پایدار را در بر گیرند. برای رسیدن به توسعه‌ای متوازن و پایدار، این نهاد باید در سیاست‌های خود، علاوه بر رشد اقتصادی، به عدالت اجتماعی، حفظ محیط زیست و بهبود کیفیت زندگی افراد نیز توجه بیشتری داشته باشد. بدین ترتیب، می‌توان امیدوار بود که نقش این نهاد در دستیابی به اهداف توسعه پایدار، نه تنها در سطح اقتصادی بلکه در تمامی ابعاد توسعه، موثرتر و کارآمدتر باشد. در ادامه پیشنهادات کاربردی مرتبط با موضوع ارائه می‌گردد.

۱. با توجه به تغییرات گسترده در اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی تعدادی از کشورهای آسیایی، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های صندوق بین‌المللی در زمینه کمک به کشورهای جهان متناسب با شرایط روز تغییر کند.
۲. یافته‌های به دست آمده گویای این است که ساز و کارهای مسئولیت‌پذیری صندوق در جهت حمایت از حقوق بشر ناکافی بوده و در اولویت قرار ندارد چرا که در اساسنامه این نهاد اهتمام به حقوق بشر چندان به چشم نمی‌آید. برای رعایت حقوق بشر، توسعه ابزارهای حمایتی و جلوگیری از نقض حقوق بشر پیشنهاد می‌شود صندوق بین‌المللی گام‌های موثرتری بردارد. چون بی‌توجهی به تأثیرات منفی حقوق بشری فعالیت‌های صندوق بین‌المللی پول نقدهای زیادی به همراه دارد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

This study critically evaluates the impact of International Monetary Fund (IMF) policies on achieving Sustainable Development Goals (SDGs), emphasizing its influence on economic, social, and environmental sustainability. Since its establishment, the IMF has significantly shaped global financial policies, particularly in developing countries. While the IMF's stated mission aligns with promoting stability, sustainable growth, and poverty reduction, its conditional loan programs and structural adjustment policies have been subject to scrutiny for their long-term social and economic consequences. By adopting a descriptive-analytical methodology, this research seeks to unravel the complexities surrounding the IMF's role in sustainable development, with a specific focus on how its policies interact with SDG priorities.

The framework of this study is grounded in development economics and distributive justice theories. Sustainable development is conceptualized as a multidimensional process that necessitates balanced progress across economic, social, and environmental dimensions. The IMF's focus on macroeconomic stability through monetary and fiscal policies often conflicts with immediate societal needs, particularly in countries grappling with poverty, inequality, and environmental degradation. This research evaluates whether the IMF's structural programs support or hinder the realization of SDGs such as ending poverty, reducing inequalities, and combating climate change (Prizzon, 2021; Rapkin & Strand, 2022).

The research methodology combines descriptive and comparative analyses, relying on secondary data from IMF reports, global development indicators, and scholarly critiques. A comparative lens evaluates the alignment of IMF policies with SDG principles in different geopolitical contexts. Data sources include legislative frameworks, institutional policy reviews, and case studies from Iran and other developing economies, enabling a nuanced understanding of policy impacts. The research

synthesizes findings from library resources, digital archives, and international policy documents to construct a comprehensive narrative.

The findings reveal a dual narrative surrounding IMF policies and sustainable development:

1. Macroeconomic Stability vs. Social Equity: IMF programs often prioritize fiscal discipline and monetary stability, which can inadvertently exacerbate socio-economic disparities. For instance, austerity measures linked to loan conditions frequently lead to reduced public spending on education, healthcare, and social services, undermining SDG targets such as quality education and good health.
2. Environmental Oversights: While the IMF has increasingly acknowledged the significance of environmental sustainability, its policies often fall short of integrating climate resilience into financial strategies. For example, financial support mechanisms lack adequate provisions to mitigate climate risks in vulnerable nations, delaying progress on SDG 13 (climate action).
3. Distributive Justice: The IMF's conditionalities demand policy adjustments that align with global market norms but may disregard local socio-economic realities. This misalignment raises concerns about fairness and the equitable distribution of development benefits, particularly in marginalized communities.

The IMF's dual role as a financial institution and a policy advisor creates inherent tensions between its economic objectives and the holistic vision of the SDGs. While the IMF has made strides in incorporating sustainability rhetoric into its frameworks, operational realities reveal a gap between intention and execution ([Hekmat, 2016](#); [Inanlou, 2020](#); [Kentikelenis et al., 2016](#); [Nijkamp et al., 2023](#)). This disconnect is particularly evident in its approach to poverty alleviation, where short-term economic fixes often undermine long-term structural change.

The research highlights the need for a distributive justice framework within IMF policies to ensure that the benefits of economic stability are equitably shared. Furthermore, it underscores the importance of aligning financial conditions with local development priorities. The analysis also critiques the IMF's one-size-fits-all approach to structural adjustments, advocating for more flexible and context-specific solutions.

To enhance its contribution to sustainable development, the IMF must adopt a more integrated and inclusive policy approach. Key recommendations include:

1. Prioritizing Social Investment: Encourage governments to maintain critical social expenditures even during fiscal consolidation.
2. Embedding Environmental Considerations: Strengthen climate-related financial risk assessments and integrate sustainability metrics into loan programs.
3. Enhancing Policy Flexibility: Tailor conditionalities to align with local socio-economic contexts and SDG priorities.
4. Fostering Transparency and Accountability: Ensure greater participation of civil society and local stakeholders in IMF negotiations and program monitoring.

The IMF's role in shaping global economic governance places it at a strategic intersection of financial stability and sustainable development. This study demonstrates that while the IMF has potential to significantly advance SDGs, it must recalibrate its policies to address socio-economic inequities and environmental imperatives. By adopting a distributive justice lens and fostering alignment with localized development agendas, the IMF can better fulfill its mandate of promoting inclusive and sustainable global growth.

References

- Abedi, S. (2022). An Analysis of the Role of Green Banking Strategies in Sustainable Economic Development. *Scientific Quarterly on Environment*(64), 50-68.
- Ali Ahmadi, A., Bonyadi Naeini, A., & Taghavi, M. H. (2019). Identifying Critical Success Factors for Sustainable Banking Using a Mixed Approach. *Management tomorrow*, 18(60), 19-32.
- Alkire, P., Rapkin, J., & Strand, R. (2017). Developing Country Representation and Governance of the International Monetary Fund. *World Development*, 33(12), 1993-2011. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2005.07.008>
- Aryafard, H. (2021). *Sustainable Development in the Islamic Republic of Iran: Economic Barriers and Factors for Its Non-Realization*. Ganjur.
- Boostani, R., & Jabal Ameli, P. (2015). Evolution of the Role of the International Monetary Fund in the Global Economy. *Ravand (Economic Research Trends)*, 22(69), 97-116.
- Ebrahiminejad, M. (2016). *International Financial and Monetary Organizations*. Somit Publications.
- Firoozi Mandi, F. (2017). *The World Bank and Human Rights: Opportunities and Challenges from an International Law Perspective*. Shahre Danesh.
- Hekmat, M. (2016). *Development and Sustainable Development University of Tehran*].
- Inanlou, A. (2020). The Ultimate Goal of Sustainable Development. *Growth of Geography Education*(97), 34-41.
- International Monetary Fund. (2021). Iceland: Stand-by Arrangement Interim Review under the Emergency Financing Mechanism. *IMF Country Report No. 09/52*. www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2009/cr0952.pdf.
- Jafari, A. (2021). *Banking Law, Volume 2: Banking Functionality*. Sherkat Sahami Enteshar.
- Keller, M. (2021). The Political Economy of Agricultural Liberalization in Central and Eastern Europe: An Empirical Analysis. *Food Policy*.
- Kentikelenis, A. E., Stubbs, T. H., & King, L. P. (2016). IMF Conditionality and Development Policy Space, 1985-2014. *Review of International Political Economy*, 23, 543-582. <https://doi.org/10.1080/09692290.2016.1174953>
- Nandy, S., & Svedberg, P. (2022). The Composite Index of Anthropometric Failure (CIAF): An Alternative Indicator for Malnutrition in Young Children. In V. R. Preedy (Ed.), *Handbook of Anthropometry* (pp. 127-137). Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-4419-1788-1_6
- Nijkamp, P., van den Bergh, C. J. M., & Soeteman, F. J. (2023). Regional Sustainable Development and Natural Resource Use. *The World Bank Economic Review*, 4(suppl_1), 153-188. https://doi.org/10.1093/wber/4.suppl_1.153
- Prizzon, S. (2021). Comment on "Regional Sustainable Development and Natural Resource Use" by Nijkamp. *The World Bank Economic Review*, 4(suppl_1).
- Rapkin, D. P., & Strand, J. R. (2022). Developing Country Representation and Governance of the International Monetary Fund. *World Development*, 33(12), 1993-2011. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2005.07.008>
- Sadeghi, H., Naser, M., & Zarai, H. (2019). Challenges of Granting Fintech Loans: Policies and Solutions from the World Bank, International Monetary Fund, and the EU Legal System. *International Studies*, 16(3 (Serial 63)), 73-91.
- Zamani, S. G., & Esmailpour, H. (2021). The Regulatory Power of the State in International Investment Dispute Settlement Systems in Light of Sustainable Development Goals. *Strategic Public Policy Studies*(39), 187-205.